

تولدات-فرهنگی-عربی-نو-نو-ها-و-محتواها



از رمان تاریخ رم بسوز «اولاد الناس، ثلاثة الممالا/ به ها مردم، سه انه ممالا» خوشم آمد و وقت ددم روزنامه «الشرق الاوسط» (2020-5-13) به مناسبت دریافت جازه مسابقه ادب نجب محفوظ (2019-2020) مصاحبه‌ا از او منتشر شد، خوشحال شدم. جالب انه خانم رم در حاله از ادبات نجب محفوظ و سرآمد او در نوشتن رمان تعرف مند و از خوانش آثارش ه همیشه برا او نته‌ها جدد روشن مسازند، مود محفوظ ار نوشتن رمان را در دهه سب با رمان تاریخ مانند «عبث الاقدار/بازها سرنوشت» و فاح طبه/جذطبه» آغاز رد. ما ا به سن ناشته‌ها و سازه در زمنه تاریخ ارمنم از روزها جرجزدان، آندره مورا، اشتفان تسوا، امل لودو تا امن معلوف، همیشه در مقابل رمان‌ها تاریخ و شبه تاریخ ضعف بوده‌ام. انه مخواستم بوم انه بشتر تولدات فرهنگ در جهان عرب در ان دوره رمان بوده هرند سهم رمان تاریخ نسبتا م است. در دوره اخر نام‌ها جدد بسار در زمنه نوشتن رمان متولد شدند. نشته از هماران عاشقه دست در نوشتن خاطرات دارند؛ استخوان داران دنارمان عرب خود را وقف نوشتن رمان‌ها بردن ردند، ار بتوان از نن اصطلاح برا رمان‌ها در غربت استفاده رد. معمولا نشته از انه نوسنده مرد باشد ا زن، در دنا غربت تجربه عشقه دارد و همیشه شست مخورد و ناام به و وطنش برمرده حالا تاب زند در آن را ندارد همان طوره طاقت دور از آن را هم ندارد! در رمان‌ها دهه نجاه و شصت تجربه‌ها عاطف نوسندان عرب معمولا به دلی اصرار قهرمان بر اصول ملو و آداب شرق به شست مانجامد... اما در رمان‌ها دوره نوذ تصور قهرمان شست خورد، ناامد و غرب ره است ه نه در غربت امد دارد و نه در وطن. شاد همین عامل موجب ناه بردن به رمان تاریخا رمان‌ها رئالزم جادو به سب مارز مشد، ون حتدر تاریخ هم ناام غالب است

زمنه دومه در دهه اخر تولد در آن افزایش افت، ترجمه است. اغلب ترجمه‌ها رو به افزایش از نوع جد در فلسفه، علوم ساس، اقتصاد، تاریخ و اوضاع جهاد و تحلل سرنوشت جنبش‌ها اسلام و فراز رفتن جریان‌ها راست و وولست در غرب و جهان هستند. اما در ان زمنه متنوع نز ترجمه ساه و سودا و شبن بدتر؛ خواه در جهان عرب ا جهان هره غالب اند. شاد فته شوده ان مسائل ناامد ننده توسط نوسندان و استراتست‌ها بانه تألف مشوند و هناه متوجه انتشارات عرب نیست. واقع اما انه انتخاب به عهده صاحبان مؤسسه‌ها انتشارات است، آا آنها تاب‌ها سودا راه نن بن خوانندان رواج بسار دارند خودشان انتخاب منند؟ ان را مرسوم و ترجمه‌ها واقعا سرشار از بدبناند. منظورم از ان نتیجه ر ان نست ه اوضاع جهان خوب و امدبخش است و ناز به تأملات غم‌افزا نست

آنه من در نظر دارم آنه بخش بزرگ از ترجمه‌ها دارا ابعاد فر و تاریخ، ماه‌ها اصالت زدا تمدن دارند؛ مانند شرها تمدن غرب، شرها سولارزم، مسئله جهاد شدن، جهاد شدن و دن ساز، حومت محال، اسطوره خشونت دت، مدرنزم سال، اروا هتیه، مان قرن امرا و اسلام ستز بمار بزر غرب. همه سازه ان تاب‌ها را نوشته‌اند خود و هشر و استراتست غرباند و بر خهم استاد دانشاه. آنها (از جهت موضوع و علم) به سه روه تقسم مشوند: بر خموند، تمدن غرب اساسا شر است و جهان را نابود رد و رو به نابود ساختن خود مرود. روه دوم همانا به اصول روشنر اروا امان دارند، اما نران ان هستند ه امرا و اروا به سمت فاشسم بغلتند. روه سوم از همه غرب فراتر مروند و به موازنه زنه‌ها بدل عتد، هند، ان ا همه آسها مردازند؛ نوسنده به نام او من وجود دارده ده تاب از او در باره بدها مدرنزم ترجمه شده و به نظر مرسد مان خوانندان عرب رواج نسبتا خود دارد. به نظر م رسد او من شبه ولن ولسون است ه تألفات وولستاش در دهه شصت رواج افت. بدون ش مان آثار ترجمه شده تحققات بسار جد هم وجود دارد، اما بر رس نقد همه ا اغلب ان آثار جاست؟ هشر ادوارد سعد در باره شرق شناس (1977) بسار جد است، اما اسلام راها طور آن را خواندند، و طور جوانان و هشرها فحاشانه عله سولارزم را مخوانند! انون و هشران محترم در رد شرق شناس ادوارد سعد منوسند، بران اساس ه او انساذ معتدل بود و از غرب مخواست به همان اصول روشنر و ارزش‌ها و افق‌هاش بر برد در حاله مصبت در خود روشنر و دولت مدرن است

عاشق دفاع از الات متحده ا ترام نستم. آثار علم محترم در باره آنده غرب و آنده امرا و جازن ن وجود دارد. اما بشترا آنها ه بناهها انتشارا تروانه ادره وها و شبه‌ها اجتماع منند، مقاسه‌ها وولستراست ا از تولدات سبزه‌ها، آبهها ا قرمزها هستند. و آنه مرته سرا بر غرب ا اثبات شست خوردنش ه درد را دو مند در حاله با انتخاب‌ها و اجبارهاش به بخش از ما تبدیل شده است؟ ه دوره ا ارتنش تر و همراه با شست برا غرب اروا و امرا مانند ماه‌ها نوذ «رونا» نددم. اما آ رفتارن بهتر و موفق تر بود؟ در انه آ برا هر خردمند و دارا دو شم بنا مشخص نشده مشلات هرند و آغاز مشوند به مشلات جهاد تبدیل مشوند؟ خد وقت‌ها امان‌ها هاشم صالح به تمدن غرب و روشنر لبخند بر لبم منشانند؛ اما نباد از حق ذشت آنها را در مقاسه با ابوس‌ها وائل حلاق و جرانش ه به شدت در افراد سالخورده تلخام جهان عرب و اسلام شده رشد مند، وعده‌ها لطف و خوش‌بنانه مبنم

مرسم به زمنه سوم ه تولدات فرهنگ جهان عرب در آن بسار است و آن هم زمنه ناله و محومت اوضاع عرب، شورها و جوامع، زمنه‌ها آموزش و بهداشت، اقتصاد و فرهنگ و اندشه، تولدات شاورز و صنعت و روابط با جهان. ش نست ه اوضاع جهان عرب بسار بد است. سه جذ داخل در سه شور دارم و دهها نزاعه هر لحظه ممن است شعله‌ور بشوند. ار و هشران و محققان دست به مطالعه حوادث و اتفاقات بزند و راه‌ها برون رفت و حل‌ها هرند سندلانه شنهاده‌ند، ان مسئله بسار نرفته و مطلوب است. اما آنه از و هشران و محققان مخوانم ه اغلب آنها مان نامه‌ها دانشاهاند؛ بش از آنه تلخام و رنج برا اوضاع نابه‌سامان را به انسان منتقل نند، ناامد و نه و ملامت را تزرق منند. همان طور ه ش ترفتم، اوضاع جهان عرب ل و بلبل نست و ارائه نقد ضرور است، اما وقته و هشر عرب است و به دنبال زنه‌ها برا برون رفتن از بن بست مرده، نباد بر زخم‌ها نم باشد و شاف را بشترا نده و صله به ارش ناد

استاد ما سمر عطاء الله ند سال ش مجموعه از مقاله‌هاش را جمع رد و عنوان :مان شرق! بر آن ذاشت. به او فتم: استاد، عنوان ترسنا است! بدرد جواب داد: اما واقعت ترسنا تر است. با همه ان راند و ان تلخامها و سوداها و تحزب‌ها، ش بذ آفاق روشن تر از سو فرهنگتان بسار دشوار مشود

منبع: الشرق الاوسط فارس